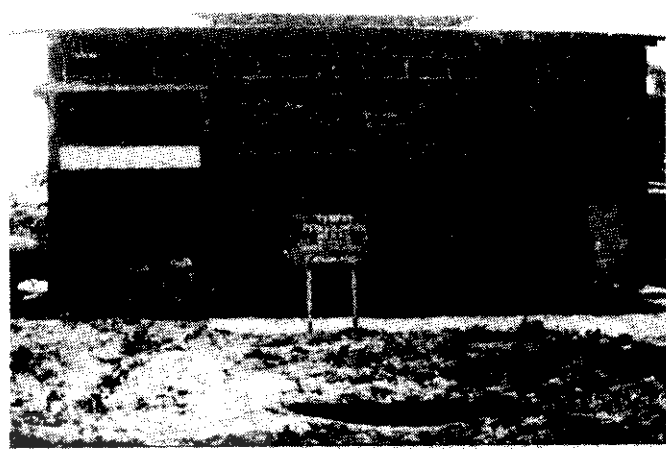
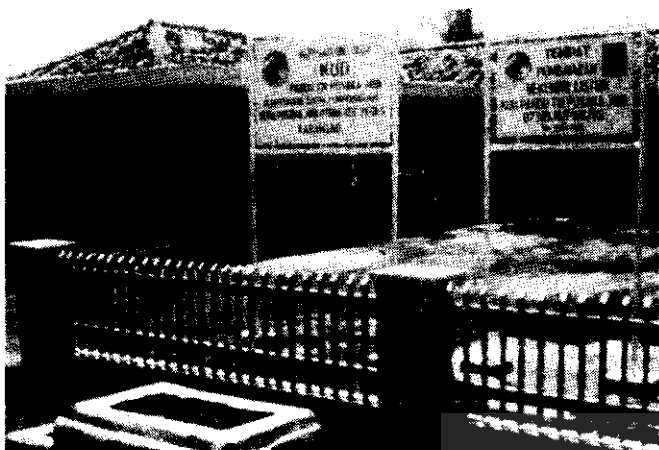


مسائل و گرایشات جهانی تعاونی‌ها

(تجارب سازمان جهانی خواربار و کشاورزی - F. A. O)

مترجم: علی ورجاوند ناصری



۱- مقدمه

شرکت‌ها و مجامع تعاونی و حتی گروه‌های تعاونی قبل از آنها، از قدیم الایام نمونه‌ای از سازمانهای مردمی و فراگیر در جهان شناخته شده‌اند. در کشورهای پیشرفته، تعاونیها نقش بسیار موثر و قاطعی را در پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی ایفا نموده‌اند.

به منظور پیروی از چنین نمونه‌های موفق، کشورهای در حال توسعه نیز کوشش نموده‌اند تا جنبش‌های تعاونی را به ثمر رسانند و در این راه، مبالغ هنگفتی از وجوه دولت و کمکهای خارجی صرف پروژه‌های توسعه و پیشرفت اقتصادی شرکت‌های تعاونی شده است. مع الوصف به علت فقدان افراد بومی متخصص و آموزش دیده در این زمینه که بتوانند اداره امور چنین مؤسساتی را به عهده گیرند، اغلب تعاونیها، بعد از مدتی به نادیده گرفتن مبانی اساسی تعاون در اداره امور تعاونیها متمایل گردیدند و به عبارت دیگر اصول اساسی: عضویت داوطلبانه و کنترل دمکراتیک را به کناری گذاشته و سیستم متمرکز مدیریت را

وضع نمودند و چنان که می‌بینیم با استقرار چنین سیستمی کارایی اقتصادی تعاونیها نقصان پذیرفت و به همین علت سهم بسیار ناچیزی در توسعه و پیشرفت اقتصادی روستاها به دست آوردند و علاوه بر آن اکثر آنها ضعیف و شکننده شدند و هنوز هم به کمک‌های خارجی تکیه می‌کنند و به آن ادامه می‌دهند.

۲- مشکلات نظری و اختلاف در برداشت از مفاهیم

در تئوری، همگان هم عقیده‌اند و می‌پذیرند که تعاونی‌ها به علت ماهیت خصوصیشان و بدان جهت که بر طبق اصول عضویت آزاد و داوطلبانه تشکیل شده و اداره امور و کنترل آن توسط خود اعضا انجام می‌گیرد، از نوع سازمان‌های خودیاری می‌باشند. مع الوصف بسیاری از مدیران، سیاستمداران و حتی کثیری از دهقانان، تعاونیها را وسیله و ابزاری دولتی جهت توسعه و پیشرفت اقتصادی تلقی می‌کنند. این ابهام در برداشت از مفهوم تعاون و

تعاونی، یکی از مشکلات اصلی در راه تغییر جنبش‌های تعاونی به سازمانهای مردمی است، سازمان و تشکیلاتی که می‌تواند منابع محلی را برای توسعه اقتصادی منطقه به حرکت درآورد و از طرفی مؤسسه اولیه و کوچکی را که دولت تشکیل داده به جنبشی داوطلبانه تغییر دهد تا افراد علاقه‌مند فعالانه به آن به پیوندند.

به منظور حل مشکل سازمان‌های خودیار و پیشرفت آنها از طریق کمک‌های دولتی، باید یک پیش شرط مهم را رعایت نمود و شرایط لازم اولیه را به وجود آورد. به عبارت دیگر می‌بایست یک خط مشی روشن و واقع‌گرایانه تدوین نمود. بدیهی است علاوه بر این، اجراء چنین خط مشی نیازمند گروهی مروج تعاونی است که بتواند خط‌مشی‌ها را تفسیر کرده و به موقع اجرا بگذارند.

مبانی اساسی و اولیه برای خط‌مشی‌های توسعه و پیشرفت اقتصادی تعاونیها به شرح زیر است:

- ایجاد شرایط لازم حقوقی و اقتصادی مناسب برای توسعه فعالیت تعاونی‌ها.

● بسیاری از مدیران، سیاستمداران و حتی کثیری از دهقانان، تعاونی‌ها را وسیله و ابزاری دولتی جهت توسعه و پیشرفت اقتصادی تلقی می‌کنند.

این ابهام در برداشت از مفهوم تعاون و تعاونی، یکی از مشکلات اساسی در راه تغییر جنبش‌های تعاونی به سازمانهای مردمی است.

● دولت‌ها کوشش می‌کنند تا شرکت مردم را در امور اقتصادی تشویق نموده و از ایجاد تعاونی‌ها به مثابه مکانیسمی برای سرعت بخشیدن به توسعه اقتصادی، استفاده نمایند.

● نمونه‌های موفق و بسیار موثری در این زمینه وجود دارد که موید توانائی جنبش‌های تعاونی در به حرکت درآوردن و فعال نمودن انگیزه‌هاست.



بسیار مهمی در بالا بردن دانش و آگاهی آنان و همچنین استفاده از منابع محلی و پیشرفت متکی بر خود داشته و ضمناً در چنین فرایند و جریانی، هزینه‌های دولت به منظور کمکهای اقتصادی در امر پیشرفت و توسعه کاهش می‌یابد.

همچنین تجربه نشان داده است که حضور و شرکت فعال روستائیان میسر و ممکن نیست مگر از طریق جوامع محلی و عضویت در سازمانهای خودیار که هدف اولیه آنان تأمین اهداف اجتماعی و اقتصادی اعضا خویش باشد.

تجربه نشان داده است که در چنین سازمانهایی، حتی در پایین‌ترین سطوح، فرصت حفظ ارزشهای سنتی و در عین حال توسعه و پیشرفت اقتصادی به شیوه‌های مدرن، وجود خواهد داشت.

نمونه‌های موفق و بسیار موثری در این زمینه وجود دارد که مؤید توانائی جنبشهای تعاونی در به حرکت درآوردن و فعال نمودن انگیزه‌هاست البته این امر در صورتی عملی است که دولتها خط‌مشی‌های اقتصادی لازم

چنانچه دولت، وام و یا کالائی از کانال‌های تعاونی توزیع کنند، در تمایل اعضا به ادامه همکاری مؤثر خواهد بود.

۳ - موارد ضعف و قدرت جنبشهای تعاونی

فشار ناشی از فقدان منابع کافی و لازم، سختی و ناهماهنگی شرایط تجارت و داد و ستد، بالا رفتن حجم بدهی‌های خارجی و بالاخره مشکل باز پرداخت وام‌ها، موجب شده است تا دولت‌ها به دنبال راه چاره بوده و سعی کنند تا روش‌های دیگری را برای توسعه و پیشرفت اقتصادی جانشین نمایند. به همین علل است که دولت‌ها کوشش می‌کنند تا شرکت مردم را در امور اقتصادی تشویق نموده و از ایجاد تعاونی‌ها به مثابه مکانیسمی برای سرعت بخشیدن به توسعه اقتصادی روستا، استفاده نمایند.

تجارب فائو (F. A. O) و دیگر سازمانها نشان می‌دهد که برنامه‌های تنظیم شده برای شرکت هرچه بیشتر مردم و فعالیت آنها، نقش

- اجراء برنامه‌های طویل‌مدت، اطلاعاتی، تربیتی و آموزشی.

- پشتیبانی از سازمانهای حمایت‌کننده تعاونیها، به عبارت دیگر، حمایت از فدراسیون‌ها و اتحادیه‌های تعاونی که فی‌الواقع اداره امور مالی و کنترل آنها به عهده خود تعاونی‌هاست.

اساساً نظریه و مفهوم تعاون موضوعی است ساده و روشن. مردم در تعاونی‌ها در کنار هم کار خواهند کرد، چنانچه بدانند چیزی از این بابت عایدشان خواهد شد و یا بدانند که عضویت آنها در تعاونی منفعتی به همراه دارد.

برعکس، اگر تعاونیها به منظور انجام فعالیت‌ها و کارهای دیگری ایجاد شود که در حد وظیفه تعاونی نباشد عضویت داوطلبانه، شرکت فعالانه و به کارگیری منابع مالی شخصی، دیگر کششی برای افراد نخواهد داشت و تعاونی جاذبه خود را از دست خواهد داد. بدیهی است در چنین مواردی اعضا تمایلی به همکاری نشان نخواهند داد ولی

● تجارب فائو نشان می‌دهد که برنامه‌های تنظیم شده برای شرکت هر چه بیشتر مردم و فعالیت آنها، نقش بسیار مهمی در بالا بردن دانش و آگاهی آنان و همچنین استفاده از منابع محلی و پیشرفت متکی به خود داشته و هزینه‌های دولت در امر پیشرفت و توسعه کاهش می‌یابد.

● تجربه نشان داده است که در چنین سازمانهایی، حتی در پایین‌ترین سطوح، فرصت حفظ ارزش‌های سنتی و در عین حال توسعه و پیشرفت اقتصادی به شیوه‌های مدرن، وجود خواهد داشت.

● اما ضعف جنبشهای تعاونی تا حدودی مربوط به فقدان یک خط مشی روشن در جهت توسعه و پیشرفت تعاونی است. بسیاری از این نوع مؤسسات بدون هماهنگی صحیح و لازم و بدون آنکه طرح و برنامه مستمری برای فعالیتهای متنوع خود که می‌بایست در چارچوب خط مشی توسعه اقتصادی کشور انجام پذیرد تدارک دیده باشند، شروع به فعالیت می‌کنند.

اتخاذ و الگو و چارچوب‌های حقوقی متناسب را معرفی نماید و علاوه بر این، ضمن تأمین آموزش مفید و ارائه خدمات حسابرسی، به تعاونیها فرصت دهند که در اموربازرگانی و دادو ستدهای سودآور شرکت نماید.

اما ضعف جنبش‌های تعاونی تا حدودی مربوط به فقدان یک خط مشی روشن در جهت توسعه و پیشرفت تعاونی است. بسیاری از این نوع مؤسسات بدون هماهنگی صحیح و لازم و بدون آنکه طرح و برنامه مستمری برای فعالیتهای متنوع خود که می‌بایست در چارچوب خط مشی توسعه اقتصادی کشور انجام پذیرد تدارک دیده باشند، شروع به فعالیت می‌کنند.

اغلب این تعاونیها دست به فعالیتهایی می‌زنند که از وظایف مؤسسات دولتی و برعکس بسیاری از سازمان‌های کشوری یا ایالتی فعالیتی بموازات مجامع و مؤسسات تعاونی دارند و به

عبارت دیگر، وظایف تعاونی‌ها را انجام می‌دهند.

قوانین حاکم و ناظر بر مؤسسات تعاونی، حاکی از سرپرستی و کنترل مستقیم مقامات دولتی است، ولی معمولاً به علت کمبود کارمند و بودجه، این نوع خدمات دولت‌ها چندان موثر واقع نمی‌شوند.

از طرف دیگر دخالت‌های بیش از حد دولت‌ها نیز که حتی در مدیریت و اداره امور تعاونی‌ها اعمال می‌شود سبب گردیده تا دستیابی به اهداف قابل دسترسی در جهت پیشرفت اقتصادی تعاونی‌ها هم با شکست مواجه گردد.

در سطح مجامع و شرکت‌های تعاونی اغلب، ضعف در سازمان و مدیریت آنها بوجود می‌آید. بیشتر تعاونیها آنقدر کوچک‌اند که

حتی توان پرداخت حقوق یک مدیر حرفه‌ای را ندارند و به همین سبب هم کوچک و با فعالیت محدود باقی می‌مانند.

در این نوع تعاونی‌ها بجای ادغام عمودی فعالیت‌ها و وظایف و بجای به هم پیوستن به یکدیگر، کار و فعالیت به تنهایی انجام می‌گیرد و به علت داشتن سرمایه‌ای ناچیز و فاقد ارزش اعتباری، نمی‌توانند از وام و تسهیلات بانکها استفاده نمایند.

بدیهی است در چنین زمینه و شرایطی، اعضاء که مزیتی از عضویت خود در تعاونی نمی‌بینند، و دسترسی به اطلاعات لازم را هم ندارند از شرکت فعالانه و بکارگیری منابع خود در تعاونی خویش دچار تردید می‌شوند.

۴ - عدم دخالت دولت

با توجه به محدودیت منابع مالی کشورها، هیچ دولتی قادر نخواهد بود که همواره برای توسعه تعاونی‌ها هزینه‌های آموزش، خدمات پشتیبانی، حسابداری، مدیریت و بالاخره حسابرسی آنها را بپردازد.

بنابراین در یک خط مشی واقع بینانه برای تعاونی‌های مورد حمایت دولت، باید بر موقت بودن کمک مالی دولت تأکید شود و هدف اساسی از پیشرفت و توسعه تعاونی، به کار انداختن منابع شخصی اعضاء باشد.

به هر حال، انتقال وظایف دولت در جهت توسعه تعاونی‌ها و پیشرفت اقتصادی آنان میسر نخواهد بود مگر آنکه تعاونی‌ها خود اقدام به تشکیل فدراسیون و اتحادیه‌های تعاونی بنمایند. در این حالت است که می‌توان بتدریج خدمات مشورتی و کمکی را به آنان واگذار نمود.

بنابراین عنصر کلیدی در یک خط مشی صحیح برای توسعه و پیشرفت تعاونی‌ها، آگاهی تعاونی‌ها از این حقیقت است که دولت ناگزیر خواهد بود تا بتدریج از دخالت‌های خود بکاهد و کنار رود و این به عهده خود مؤسسات تعاونی است تا اقدام به تشکیل سازمان‌های حمایتی از خود کنند و هزینه آن را نیز به بردارند.

۵- روش سازمان فائو (F.A.O) در خصوص توسعه و پیشرفت تعاونی‌ها

سازمان فائو به نظریات و مسائل فوق پاسخ گفته و طرحی را برای شرکت هرچه بیشتر مردم در توسعه اقتصادی روستاها تهیه نموده است. البته این طرح، ابتدا در کنفرانس فائو در سال ۱۹۹۱ مطرح و مورد قبول قرار گرفت. هدف نهائی این طرح ایجاد اطمینان به موثر بودن شرکت فعالان مردم در تحقق توسعه و پیشرفت مداوم اقتصاد روستائی است.

در این طرح ضمن قبول این حقیقت که عوامل اجتماعی، اقتصادی، مالی و جنبه‌های مختلف تکنیکی، نقش بسیار مهمی را در دستیابی به هدف‌های طرح دارند، بر این نکته نیز تأکید گردیده که شرکت فعالان مردم روستائی، و حتی گردهمائی‌های مردم، چنانچه از طریق سازمانهای متکی به خود و بر اساس داوطلب بودن و علاقه آنها انجام گیرد. در مقایسه با سایر عوامل، از اهمیتی برابر برخوردار است.

در این طرح چنین آمده که هرگونه اقدام و ابتکاری در جهت پیشرفت اقتصادی روستاها در طول مدت، بدون شرکت مردم پایدار نخواهد ماند و استقرار عدالت اجتماعی در روستاها میسر نخواهد شد.

قصد اصلی از اعتلاء و توسعه تعاونی‌ها رسیدن به مرحله‌ای که این موسسات استقلال داشته و توسط خود اعضاء اداره و کنترل گردند. در چنین شرایطی نقش دولت‌ها باید به محدوده ارائه قالب‌های اقتصادی و حقوقی گردد. به عبارت دیگر لازم است دولت به طریقی عمل کند که تعاونی‌ها توسعه یابند و در این راه، اطلاعات و منابع مالی اولیه را برای آنان فراهم نماید.

برای تحقق این هدف می‌بایست نظریه «کمک به پیشرفت تعاونی‌ها» براساس عناصر

زیر شکل گیرد: شرکت، مدیریت، ادغام و یا ترکیب، تنوع و آموزش در اینجا منظور از «شرکت» توسعه و بسط یک چارچوب سازمانی برای تعاونی‌ها و گروه‌های روستائی است. البته بنحوی که این سازمان‌ها هم چون سلول‌های اساسی از یک سیستم منسجم تعاونی‌ها باشند. چنین اقدامی به اعضاء فرصت می‌دهد تا آنها تعاونی‌ها را سازمان‌های متعلق به خود بدانند و قبول نمایند که می‌توانند در برنامه ریزی، اجراء و کنترل فعالیت‌های آن فعالان شرکت نموده و بدین منظور منابع مالی خویش را بکار گیرند.

بدین ترتیب این سلول‌های اساسی تعاونی که وابسته به موسسات بزرگتر تعاونی در سطح بالاتر هستند، از مزیت مدیریت حرفه‌ای آنان بهره‌مند می‌گردند. بدین منظور و برای اینکه موسسات بزرگ تعاونی کارائی لازم را داشته باشند، می‌بایست مدیران تعاونی آموزش‌های شغلی ببینند و مدارج بالاتری از مهارت و تخصص را کسب نمایند.

نظریه «ادغام و یا ترکیب» با ایجاد سیستمی که در آن تعاونی‌ها بصورت افقی و عمودی به هم مرتبط خواهند شد، عملی می‌شود. در چنین سیستمی تعاونی‌های کوچک‌تر فرصت می‌یابند تا بخشی از یک شبکه قدرتمند و سرتاسری در کشور باشند. در این سیستم شبکه بزرگ تعاونی کلیه فعالیت‌ها اعم از تهیه و تولید، بالا بردن سطح تولید، استفاده از ضایعات و تولید محصولات فرعی از آنها و همچنین رساندن کاملاً مستقیم تولید به مصرف را زیر پوشش خود قرار می‌دهند.

«تنوع» در اهداف به تعاونی‌ها فرصت می‌دهد تا به میزان و وسیع‌تری فعالیت‌های خود را با نیاز کشاورزان تطبیق دهند و تنها به یک نوع فعالیت اکتفا نکنند. با رعایت این اصل تعاونیها استقلال بیشتری داشته و می‌توانند با دست‌بازتری به فعالیت‌های گوناگون پرداخته و به عبارت دیگر «تک محصولی نباشند».

طرح و عملی کردن تمام این نظریه‌ها زمانی میسر است که توأم «با آموزش» در زمینه‌های

مربوط باشد و ضمناً تمام کسانی که بنحوی دست‌اندرکار جریان تولید تا مصرف می‌باشند، آموزش لازم را ببینند. بدون شک باید پذیرفت که در پیشرفت و توسعه تعاونیها «آموزش» وسیله‌ای است اصلی و بسیار مهم. در هر حال لازمه عملی کردن نظریه فوق داشتن اطلاعات لازم درباره محیط کار تعاونی‌ها است و آزمایش استعدادها برای کار تعاونی است. در چنین شرایطی است که باید دانش محلی درباره امکانات و محدودیت‌های اقتصادی و اجتماعی «پیشرفت و توسعه» با دانش خارجی درباره نوآوری‌های ممکن ترکیب شوند و از چنین ترکیبی است که می‌توان به روش‌های واقع بینانه برای توسعه اقتصادی روستاها به وسیله تعاونی‌ها دست یافت و موانع موجود در این راه را شناخت.

منابع و مآخذ

در نگارش این مقاله از نشریات زیر استفاده گردیده:

۱- «توانائی و ضعف‌های جنبش‌های تعاونی در آفریقای غربی» اثر اچ. فانک فر از انتشارات انستیتو تعاون دانشگاه ماربورگ آلمان.

۲- «طراحی پروژه‌ها و برنامه‌ها جهت پیشرفت و ارتقاء تعاونی‌ها و گروه‌های روستائی» بر اساس نظریه «سیستم‌های مدیریت مناسب برای تعاونی‌های کشاورزی».

نشریه سازمان فائو. رم ۱۹۹۱

۳- «استراتژی‌های موفق برای توسعه سازمان‌های خودیار روستائی فقیر»

نشریه سازمان فائو. رم ۱۹۹۱

۴- «طرح شرکت مردم در پیشرفت اقتصادی روستاها» اسناد مربوط به کنفرانس

رم. ۱۹۹۱ نشریه سازمان فائو

۵- «بررسی و تحقیق درباره تعاونی‌ها و دیگر سازمانهای روستائی» ارزشیابی منطقه‌ای براساس مطالعات انجام شده در کشورهای فیلیپین و تایلند.

رم ۱۹۹۲. نشریه سازمان فائو.